

## دکتر محمد جعفر پاک سرشت



استاد بازنشسته دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی

۱۳۸۷

دکتر محمد جعفر پاک سرشت در دیماه سال ۱۳۱۵ش. در شهرستان بهبهان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در دبستان شاهپور در سال ۱۳۳۰ شمسی و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان پهلوی همان شهرستان در سال ۱۳۳۶ به پایان رسانید و موفق به دریافت دیپلم پنجم علمی در سال پنجم دبیرستان و دیپلم ششم ادبی در سال ششم دبیرستان گردید. ایشان علی رغم اشتیاق فراوان به ادامه تحصیل به دلیل مشکلات مالی، تا یک سال پس از اخذ دیپلم در هیچ کنکوری شرکت نکرد. تا این که پس از شرکت در کنکور سال ۱۳۳۷ش. هم زمان در دو رشته آموزش زبان انگلیسی و حقوق دانشگاه تهران (دانشسرای عالی) پذیرفته شد. وی به دلیل علاقه وافری که به حرفه معلمی داشت، رشته آموزش زبان انگلیسی را برای ادامه تحصیل برگزید و در سال ۱۳۴۰ پس از فراغت از تحصیل در شهرستان آبادان به عنوان دبیر مشغول به کار شد. ایشان در طی دوران دبیری شاگردان بسیاری را پرورش داد که بسیاری از آنان در حال حاضر از اساتید دانشگاهها هستند.

دکتر محمد جعفر پاک سرشت در سال ۱۳۴۷ در آزمون FB پذیرفته شد و پس از پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز گزینش های دشوار، وارد دانشگاه آمریکایی بیروت شد و در دوره کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی به تحصیل پرداخت. وی پس از بازگشت به ایران مجدداً در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ پذیرش در دانشگاه ایلینوی شد و به منظور ادامه تحصیل در مقطع دکترای علوم تربیتی عازم آمریکا گردید. دانشگاه ایلونوی به دلیل شایستگی های ایشان از بدو ورود به وی بورس تحصیلی داد.

دکتر پاک سرشت در سال ۱۳۵۶ پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و از مهر ماه همان سال در دانشگاه جندی شاپور اهواز با مرتبه استادیاری به تدریس، پژوهش و مطالعه مشغول شد. ایشان در ۱۳۷۱ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی رسیدند و در سال ۱۳۸۷ به بازنشستگی نایل شدند. دکتر پاک سرشت اکنون در دوره دکتری دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی به میزان هشت واحد تدریس و در قالب استاد راهنما و مشاور پایان نامه های تحصیلات تکمیلی با دانشکده همکاری می نمایند. از سال ۱۳۸۷ که دوره بازنشستگی دکتر پاک سرشت شروع شده است، ایشان در این دوره تعداد قابل توجهی مقاله مستخرج از رساله های دکتری و یا بصورت مستقل به چاپ رسانده اند. ترجمه چهارده مقاله از کتاب " پنجاه اندیشمند نوین علوم تربیتی " از انتشارات سازمان سمت را وی بر عهده داشته است.

ویراستاری مقالات مجلات معتبر و داوری مقالات علمی نیز از دیگر فعالیت های جاری ایشان است.

### آثار پژوهشی

(۱) کتاب:

#### الف - تالیف

فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ علی محمد کاردان، علیرضا اعرافی، محمدجعفر پاک سرشت، علی اکبر حسینی، حسین ایرانی. (۱۳۷۲) تهران: سمت.

#### ب - ترجمه

- مکاتب فلسفی و آراء تربیتی؛ جerald گوتک، ترجمه دکتر محمدجعفر پاک سرشت. تهران: سمت ۱۳۸۰.

- روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ج ۱ و ۲ نویسندگان مردیت گال، والتر بورگ، جویس گال، مترجمان احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، محمود ابوالقاسمی، محمدجعفر پاک سرشت، علیرضا کیامنش، خسرو باقری، محمد خیر، منیحه شهنی بیلاق، و زهره خسروی. تهران: سمت (۱۳۸۲).

#### آثار علمی، تحقیقاتی مقالات چاپ شده در مجلات علمی - پژوهشی

- تعلیم و تربیت به مثابه خودشکوفایی: ۱۳۶۶، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، محمدجعفر پاک سرشت.

- کیفیت آموزش: بررسی جنبه های شناختی آموزش و پرورش بر مبنای هدف: ۱۳۶۷، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، سال اول، شماره دوم - تابستان، محمدجعفر پاک سرشت.

- تعلیم و تربیت بر قاعده حکمت: سیری اجمالی در آراء تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی: ۱۳۶۸، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم - شماره دوم - تابستان، محمدجعفر پاک سرشت.
- آموزش و پرورش مردمی: ۱۳۷۳، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم - بهار، محمدجعفر پاک سرشت.
- فلسفه تعلیم و تربیت در: علوم تربیتی: ماهیت و قلمر: ۱۳۸۰، زیر نظر دکتر علیمحمد کاردان. تهران: سمت، محمدجعفر پاک سرشت.
- فرضیه در تاریخچه پژوهش علمی و مشکلات فرضیه آزمایی در علوم تربیتی و رفتاری. ۱۳۸۰، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۱ و ۲ - محمدجعفر پاک سرشت.
- مشکلات گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران: ۱۳۸۲، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، شماره های ۳ و ۴ پائیز و زمستان، حسین الهامپور، محمدجعفر پاک سرشت.
- مضامین پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن: ۱۳۸۲، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم - سال نهم - شماره ۱ و ۲ - بهار و تابستان، پروانه نجاریان - محمدجعفر پاک سرشت - مسعود صفایی مقدم.
- کاوشی در باره روش تدریس در دانشگاه: ۱۳۸۳ مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم - سال یازدهم - شماره های ۳ و ۴، محمدجعفر پاک سرشت.
- بررسی نظریه اصالت نفع و مضامین آن در آموزش و پرورش اخلاقی: ۱۳۸۳، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم - سال یازدهم - شماره های ۳ و ۴، مسعود صفایی مقدم، پروانه ولوی، محمدجعفر پاک سرشت.
- احمدی، عزیزالله؛ پاک سرشت، محمدجعفر؛ صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۷). پیدایش شکوفایی و زوال دانشگاه باستای جندی‌شاپور (در همین کتاب)
- پژوهش کیفی: ریشه‌ها و مبانی نظری. نامه علوم انسانی: ۱۳۸۴، (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی). ویژه نامه علوم و تربیتی: شماره ۱۲، تابستان و پاییز، محمدجعفر پاک سرشت.
- آموزش و پرورش آینده‌نگر: اهداف و راهکارها؛ ۱۳۸۴، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۲ - دوره سوم - تابستان - صص: ۱۶۲-۱۳۵، محمدحسین حیدری، محمدجعفر پاک سرشت، مسعود صفایی مقدم.

- منابع ارزشی ایران و تبیین رابطه آن با فرآیند توسعه اقتصادی در نیمه اول قرن چهاردهم هجری؛ ۱۳۸۴، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم- سال دوازدهم- شماره ۴- صص: ۵۰-۲۰، عبدالمهدی معرف زاده، محمدجعفر پاک سرشت، مسعود صفایی مقدم.
- تعلیم تربیت در راستای خشونت زدایی. در: علوم تربیتی، به مناسبت نکوداشت استاد دکتر علی محمد کاردان، ۱۳۸۴، تهران سمت، محمدجعفر پاک سرشت.
- بررسی مشکلات گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران: ۱۳۸۴، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم- سال دوازدهم- شماره ۴- صص: ۲۰۶-۱۸۵، محمدجعفر پاک سرشت، حسین الهام پور.
- شناسایی و تحلیل فلسفه مربیان آموزش بزرگسالان یزد: ۱۳۸۵، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم- سال سیزدهم- شماره ۴، زمستان، مسعود صفایی مقدم، احمد زندوانیان، محمدجعفر پاک سرشت.
- بررسی تاثیر روش اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارتهای استدلال دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز: ۱۳۸۵، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم- سال سیزدهم- شماره ۲- صص ۳۱-۵۴، سید منصور مرعشی، مسعود صفایی مقدم، محمدجعفر پاک سرشت، خسرو باقری، حسین سپاسی.
- بررسی اصل عقلانیت در منابع اسلامی و استلزامات تربیتی آن: ۱۳۸۵، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم- سال سیزدهم، زمستان، مسعود صفایی مقدم، علیرضا رشیدی، محمدجعفر پاک سرشت.
- تعلیم تربیت از دیدگاه افلاطون، ۱۳۸۷، نشریه حاضر، محمدجعفر پاک سرشت.
- تعلیم تربیت از دیدگاه ارسطو، ۱۳۸۷، نشریه حاضر، محمدجعفر پاک سرشت.
- نظریه های تربیتی و چالش های نظریه پردازی در آموزش و پرورش ایران: ۱۳۸۶، فصلنامه علمی پژوهشی نوآوری های آموزشی، ویژه نامه نوآوری در فلسفه تعلیم و تربیت. شماره ۲۰، سال ششم، تابستان، محمدجعفر پاک سرشت.
- مبانی معرفت شناسی مدیریت کیفیت فراگیر (TQM) و پی آمدهای آن در مدیریت آموزشی: مجله علوم انسانی دانشگاه سمنان، محمدرضا سرمدی، محمدجعفر پاک سرشت، مسعود صفایی مقدم، یداله مهرعلی زاده، (پذیرش شماره ۱۶۳/م د/ مورخ ۱۳۸۶/۷/۹)
- انسان شناسی تیلورسیم و پی آمدهای آن در مدیریت آموزشی: مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ محمدرضا سرمدی، محمدجعفر پاک سرشت، مسعود صفایی مقدم، یداله مهرعلی زاده (پذیرش شماره ۲۹/۸ د مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۷).

- دیدگاه‌های معرفت‌شناسی نسبت به راهبردهای یاددهی-یادگیری در نظام آموزش باز و از راه دور: (پذیرفته شده ۱۳۸۵/۷/۲) مجله علمی پژوهشی دانشور- دانشگاه شاهد، محمد جعفر پاک سرشت، محمد هاشم رضایی، مسعود صفایی مقدم،
- روش‌شناسی تربیتی ائمه اطهار، ۱۳۸۶، مجله علمی - پژوهشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی شهید چمران، عباسعلی رستمی نسب، محمدجعفر پاک سرشت، مسعود صفایی مقدم (پذیرش آذر ۱۳۸۶)
- بررسی اصول اساسی تربیت مدنی با رویکرد اسلامی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران (پذیرش - دی ۱۳۸۶)، محمود کاظمی، مسعود صفایی مقدم، محمدجعفر پاک سرشت.
- ظهور رویکردهای نوین تعلیم و تربیت با تکیه بر نخبه‌پروری در عصر قاجار. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران (پذیرش: بهمن ماه ۱۳۸۶). سعید خرمروئی، محمدجعفر پاک سرشت، مسعود صفایی مقدم.

- Tracing cohesion in reading text: A case between literature and translation students. J. of the Faculty of Letters and Humanities ShahidChamran University of Ahvaz, Vol. 1, No. 3, Autumn, Shokouhi, H., Pakseresht, M.J., and Hemati, A, 2005.
- Reflections on the philosophical bases of total quality management. B4 Media Issue 8. No.120. Pakseresht, M.J., Sarmadi, M. R. and Farajollahi, M., 2007.

#### مقالات علمی - پژوهشی ترجمه شده

- دوبرویک، فرانسیس (۱۳۷۹). ((ژان اوید دکرولی)) ترجمه دکتر محمد جعفر پاک سرشت، نمای تربیت. جلد شماره ۴ و جلد ۵ شماره ۱.
- گاجاردو، مارسلا (۱۳۸۲). ((ایوان ایلچ)) ترجمه محمد جعفر پاک سرشت. مجله نمای تربیت، جلد ۵ شماره های ۲ و ۳.
- مورسیون، کیث. "هنری ژيرو (۱۹۳۴-)" ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، سازمان سمت (در دست چاپ).
- وایت، جان. "آر. اس. پیترز (۱۹۱۹-)" ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، سازمان سمت (در دست چاپ).
- دابز، استفن ام. لوسمیونویچیگوتسکی (۱۸۹۶-۱۹۳۴). ترجمه محمد جعفر پاک سرشت - سازمان سمت (در دست چاپ).

- توره، کارلوس آنتونیو. "مایکل آپل (۱۹۴۲-)" ترجمه دکتر محمد جعفر پاک سرشت سازمان سمت (در دست چاپ)
- هابسون، پیتر. "ا. ا. س. نیل (۱۸۸۳-۱۹۷۳)" ترجمه محمد جعفر پاک سرشت - سازمان سمت (در دست چاپ)
- سیگل، هاروی. "اسرائیل شفیلر (۱۹۳۳-)" ترجمه دکتر محمد جعفر پاک سرشت، سازمان سمت (در دست چاپ)

### ویراستاری علمی کتاب

- کتاب های زیر توسط دکتر پاک سرشت ویراستاری علمی شده اند:
- مصاحبه در بخش مرجع کتابخانه، نوشته: الاین زارمباجنریش و ادوارد جی جنریش، ترجمه دکتر محمد حسین دیانی، اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز ۱۳۷۳.
  - آموزش ابراز وجود، نوشته: شان ریس و - رودریک س. گراهام، مترجمان: دکتر منیجه شهنی ییلاق و دکتر علیرضا رضایی، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز ۱۳۷۹.
  - روانشناسی هنر، ویگوتسکی، ترجمه دکتر بهروز عزب دفتری، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۷.
  - روانشناسی ویگوتسکی، ترجمه دکتر بهروز عزب دفتری، ویراستار، تبریز، انتشارات فروزش، ۱۳۸۱.
  - راهبری: مدیریت مؤثر در سازمانها، لئونارد سیلز، ترجمه دکتر محمدعلی نائلی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۳۷۵.
  - Baroudi, I. (prepared in 1386/2007). An Introduction to The Process Theory of Writing. To be published by ShahidChamran University Of Ahvaz.

### طرح های تحقیقاتی

- بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران و رابطه آن با موقعیت اجتماعی اقتصادی، عملکرد تحصیلی در سال ۱۳۷۷؛ ۱۳۷۸ - ۱۳۷۸، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- نیازسنجی و برنامه ریزی آموزش های مهارتی مورد نیاز کارکنان؛ ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴، دانشگاه شهید چمران اهواز.

### فعالیت های علمی و اجرایی

یکی از دغدغه های دکتر محمد جعفر پاک سرشت در طول دوران خدمتشان در دانشگاه شهید چمران اهواز، تلاش در جهت پیشبرد اهداف دانشگاه و کمک به اعتلای علم و دانش بوده است. از این روست که

علاوه بر تدریس و تحقیق، ایشان همواره درگیر در کارهای علمی و اجرایی بوده اند. از جمله فعالیت‌های علمی به این موارد می‌توان اشاره کرد:

- همکاری با مرکز نشر دانشگاهی پس از تعطیلی موقت دانشگاهها در قالب ارزشیابی و مشاوره آثار علمی تألیفی و ترجمه ای اعضای هیأت علمی کشور
- همکاری با دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، به صورت تألیف و تدوین مطالب و جزوه های آموزشی، گفت و شنود با روحانیون و...؛
- راه اندازی مجله علوم تربیتی و روانشناسی در دانشگاه شهید چمران اهواز؛
- سردبیری چهار شماره ویژه نامه علوم تربیتی؛
- همکاری با مجله نمای تربیت از انتشارات دانشگاه تربیت معلم تهران؛
- همکاری با پژوهشگاه علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- هجده سال عضویت در هیأت تحریریه مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛
- عضویت در هیأت تحریریه مجله حوزه و دانشگاه؛
- عضویت در هیأت تحریریه مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد؛

و اما فعالیت‌های اجرایی ایشان عبارتند از:

- سرپرستی مرکز تکنولوژی آموزشی دانشگاه جندی شاپور در سال ۱۳۵۷؛
- معاونت آموزشی دانشگاه جندی شاپور از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹؛
- ریاست دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز به مدت ۱۳ سال؛
- مسؤلیت هسته علوم تربیتی

## مصاحبه با دکتر محمد جعفر پاک سرشت

آنچه در این بخش ارائه خواهد شد، ماحصل پرسش و پاسخی است که با استاد گرانقدر، جناب دکتر محمد جعفر پاک سرشت صورت گرفته است.

پرسش: شعار و هدفتان در زندگی چه بوده است؟

پاسخ: بحث از شعار و هدف برای دوره های آغازین تحصیل - دبستان و دبیرستان - قدری دشوار است. در این دوره ها به ما می گفتند که سواد و تحصیل دانش خوب است، ماهم باور کرده بودیم که خوب است. اما این که «چرا» سواد و به اصطلاح تحصیل علم خوب است، و بالاتر از آن، چرا «باید» خوب باشد، برای ما روشن نبود. البته در فرهنگ ما علم و دانش همیشه فضیلت تلقی شده است. اما در عصر مدرنیته و تجدد، دانش نقش های دیگری را هم واجد شده است: از جمله پیشرفت فردی و اجتماعی، توسعه فنی و اقتصادی و نیز کشف مجهولات با سرعتی به مراتب بیش از گذشته. متأسفانه در آن روزگار چه در درون آموزشگاه و چه در بیرون از آن وضع به گونه ای نبود که چشم ما را نسبت به این مسایل باز کند. با این همه، در دوره دبیرستان آگاهی بنده نسبت به معارف موجود در برنامه درسی آن زمان فزونی گرفت و نوعی علاقه ذاتی به دانش پیدا کردم. این علاقه در دوران متوسطه بسیار وسیع بود. بدیهی است که با گذشت زمان و ورود به دوره های تخصصی در دانشگاه این علائق باریک تر شده باشد. بنابراین می توانم بگویم از لحاظ به اصطلاح آکادمیک هدف بنده توسعه فهم و آگاهی نسبت به مسایل مورد علاقه ام بوده است.

اما مطلب بالا تنها هدفم نبوده است. در مسایل حرفه ای - به عنوان یک مدرس دانشگاهی - و طبعاً به عنوان یک مسلمان معتقد به خدمت به خلق خدا، هدفم این بوده که به طالبان علم و دانش - دانشجویان - در کسب علم و معرفت یاری برسانم. مخصوصاً سعی ام بر این بوده که به دانشجویان کمک کنم تا دانش را با بینش توأم کنند. با شکرگزاری به درگاه خداوند می توانم ادعا کنم که در این راه تا حدودی موفقیت داشته ام. در خصوص پست های اجرایی و مدیریتی و نیز وظایف شورایی که در دوران سی سال خدمتم در دانشگاه به وفور به آن ها پرداخته ام، سعی ام بر این بوده که امور مربوطه را با وجدان کاری کافی و تا جایی که مقدورم بوده با مراعات انصاف و رعایت حقوق و حرمت دیگران به انجام برسانم.

پرسش: مهمترین عامل پیشرفت شما در زندگی به ویژه در حوزه علم و دانش چیست؟

پدرم به سواد دار شدن و مدرسه رفتن ما (فرزندانش) بسیار علاقمند بود. هدف خاصی را برایمان مشخص نمی کرد ولی همیشه ما را به مطالعه تشویق می کرد. به این ترتیب گرایش به مطالعه از همان کودکی در وجودم شکل گرفت. در مقطع متوسطه، فضای مثبت حاکم بر دبیرستان که یک فضای رنسانسی برای من بود، دید مرا نسبت به علم تا حد زیادی تغییر داد. شرایط فرهنگی در مقطع آموزش عالی، نوعی بیداری را در من ایجاد کرد. اساتید بزرگی داشته ام که مدیونشان هستم. اما در مجموع می توانم بگویم



عامل اساسی پیشرفت هر فرد این است که خودش باشد. خود آموز بودن و خود را یافتن مهمترین عامل پیشرفت مختصر اینجانب بوده است.

پرسش: با توجه به محبوبیتی که در میان دانشجویان دارید، تصور می کنید علت آن چیست؟

پاسخ: روش ها و فنون تدریس یک چیزند و گزینشی که استاد در تدریس خود از آن ها به عمل می آورد چیز دیگر. من همیشه به دانشجویان احترام گذارده ام بی آن که اصول مبنایی خود را به مصالحه کشانده باشم. در کارم منظم بوده ام. فکر نمی کنم در طول حدود سی سال خدمتم در دانشگاه بیش از ده جلسه غیبت اضطراری داشته باشم. دیر به کلاس نرفته و زود تعطیل نکرده ام. تدریسم با تنوع همراه بوده. البته روش تدریسم در طی سال ها دستخوش تحول شده. از نظر بنده دست کم در برخی از دروس - مثل نظریه ها و مکاتب فلسفی تعلیم و تربیتی - تدریس چیزی جز مفاهمه نیست. تدریس یعنی ارتباط دو یا چند ذهن، اذهان استاد و دانشجویان. تدریس چیزی بیش از انتقال مطالب به ذهن دانشجو است. تدریس یعنی کمک به دانشجو تا مسئله را دریابد و در حل آن مشارکت نماید. تدریس پروژه مشترک استاد و دانشجو است. مفاهمه و مکاشفه است. تدریس یعنی اعتلاء فهم توأم با نشاط. در عین حال در تدریس همیشه باید نوعی نوجویی و نوآوری باشد و الا کار به روزمرگی می انجامد. اگر دانشجویان نسبت به بنده محبتی داشته و دارند احتمالاً به دلیل اتخاذ چنین شیوه هایی بوده است.

سؤال: به دانشجویان رشته علوم تربیتی چه توصیه ای دارید؟

یک توصیه عام به همه دانشجویان دارم و آن این که سعی کنند خود را بشناسند و بیابند. برخی از ما نمی دانیم برای چه به دانشگاه آمده ایم. دانشگاه جایی است که باید بین استعدادها و توانایی های فرد و علائق مادام العمر او پیوند حاصل شود. در هر حال باید نسبت به امر حضور در دانشگاه مسؤلانه برخورد کرد. پای عمر آدم و زندگی آتی و نیز هزینه ای که دولت و ملت تحمل می کند در میان است.

در خصوص دانشجویان علوم تربیتی در مقطع کارشناسی مشکل اساسی آینده شغلی است که باید برای آن فکری شود. تعلیم و تربیت فن و حرفه شریفی است. متأسفانه قدر و منزلت مربی در فرهنگ ما آن طور که شاید و باید شناخته نیست. این می تواند موجب دلسردی دانشجوی علوم تربیتی باشد. به رغم این موضوع رسالت دانشجوی علوم تربیتی نه تنها آن است که با علاقه و اشتیاق - و حتی گذشت و فداکاری - درس بخواند، بلکه باید درباره رشته اش فرهنگ سازی نیز بکند. هیچ جامعه و فرهنگی بدون تعلیم و تربیت عمیق و اساسی به پیشرفت نائل نمی آید. لهذا باید قدر معلم - و معلمان خوب و زحمتکش - از طرف ملک و ملت شناخته شود. در هر حال توصیه ام آن است که به رشته خود بهاء بدهند، و خالصانه درس بخوانند و خود را به عنوان عاملان رشد جامعه در نظر بگیرند. البته دانشگاه (و دانشکده) نیز وظیفه دارد که نیازمندی های دانشجویان را تأمین کنند. مخصوصاً باید در سال های اول دانشجویان را بخوبی هدایت و راهنمایی کنند و مشکلات ویژه هر قشر را ببینند و برای حل آن ها گام بردارند. البته خود علوم

تربیتی از نوعی محرومیت (و شاید هم مهوریت) در رنج است که امید است نسبت به رفع آن عنایت شود. دانشجویان مقاطع بالاتر علوم تربیتی فضای بسیار بازی برای پژوهش دارند. از این فرصت ها باید برای حل معضلات تربیتی بهره گیری شود.

سؤال: به جز عرصه آموزش در چه حوزه های دیگری فعالیت داشته اید؟

سی سال در دانشگاه شهید چمران حضور داشته ام. خوشبختانه هیچگاه کنار ننشسته ام و همیشه سعی کردم در جریان مسائل باشم. با مدیریتهای مختلف دانشگاه کار کرده ام و فعالیت های اجرایی متعددی داشته ام از معاونت آموزشی دانشگاه تا مدیریت دانشکده و... و همیشه تلاشم این بوده که در حد وظایف خود مثمر باشم.

سؤال: با توجه به این که در حوزه های مدیریتی گوناگون در دانشگاه حضور داشته اید، برای مدیران و به ویژه مدیران در سطح دانشگاه چه توصیه ای دارید؟

در طول سه دهه گذشته دانشگاه تحولات چشمگیری را پشت سر گذاشته، تحولاتی که متضمن رشد بوده است. توسعه رشته های تحصیلی، و نیز فعالیتهای آموزشی و پژوهشی قابل ملاحظه بوده اند. به مرور این رشد و توسعه چشمگیرتر شده است. اوج این ترقی در ۱۰ سال اخیر رخ داده است. اگر این روال همین طور ادامه پیدا کند؛ امید است ایران (و البته خوزستان) موقعیتی شایسته خود را کسب کند. ایرانیان مردمی فرهنگ پرور و دانش دوست هستند. امید است مدیران و دست اندرکاران بتوانند به این نیاز علمی پاسخ دهند.

یک مسأله مهم در سطح دانشگاه این است که دانشگاه مدیریت خاص خودش را می طلبد. علاوه بر دانش و حسن نیت، بینش، سعه صدر و عمق نظر نیز لازم است. می توان گفت در اکثریت قریب به اتفاق مدیرانی که در این سه دهه، سرپرستی دانشگاه را به عهده گرفته اند، خوشبختانه حسن نیت بوده است اما در تشخیص مسائل گاهی ناکامی هایی داشته ایم. دانشگاه شهید چمران علی رغم همه پستی ها و بلندی ها به سمت ترقی حرکت کرده است، اما می توانست بهتر از این هم باشد. با مشارکت دادن اعضای یک مجموعه می توان بر مشکلات چیره شد. همه چیز را همگان دانند؛ و شاورهم فی الامر؛ در امور مهم و سرنوشت ساز باید از همه اعضای هیأت نظرخواهی شود و بهترین آراء را انتخاب کرد. دانشگاه باید در برابر کلیه ملت پاسخگو باشد. تعداد اعضای هیأت علمی افزایش یافته است، هر چند که این نشانه خوبی است، اما به تنهایی متضمن پیشرفت کیفی نیست. با برنامه ریزی های صحیح و منظمی می توان از فرصت ها و مخصوصاً تحقیق های اعضای هیأت علمی در جهت بهبود آموزش و پژوهش بهره گیری نمود. اکنون دیگر در کلاس درس، تدریس یک جزوه کفایت نمی کند. باید تحولاتی را در آموزش ایجاد کرد. در حوزه پژوهش هم بودجه قابل توجهی خرج می شود اما متأسفانه گاه بدون تأمل. تحقیقات دانشگاهی باید با

مسائل جامعه گره بخورد تا بتواند مشکلی را از کشور حل کند. تحقیقات در دو سطح بنیادی و کاربردی باید به پیش برود.

پرسش: وضعیت تعلیم و تربیت ایران را چطور ارزیابی می کنید؟

پاسخ: این پرسش وسیعی است و ابعاد گوناگون دارد. سعی می کنم اجمالاً چند پاسخ کلی به آن بدهم. نخست آن که ما در سطوح مختلف از لحاظ کمی ترقی فراوانی کرده ایم. توسعه آموزش و پرورش در همه سطوح بسیار خوب بلکه حیرت انگیز بوده است. البته موفقیت در توسعه کمی که مستلزم تمهید مقدمات و تدارک امکانات فراوانی است، کار سهلی نیست. اما از نظر کیفی نارسایی های فراوانی در آموزش و پرورش ما دیده می شود. محتوای آموزش و پرورش ما نیاز به تغییر و بازسازی دارد. در سطح ما قبل دانشگاه، روش های آموزشی ما به رغم وجود این همه دانشکده علوم تربیتی و مراکز تربیت معلم، صوری و فاقد اثربخشی لازم و کافی است. بوروکراسی سنگینی بر آموزش و پرورش ما سایه افکنده و صوری گرایی شدیدی بر آن حاکم است. درس عمدتاً برای اخذ مدرک خوانده می شود تا توسعه ذهن و عمق فهم و اندیشه. خلاقیت، نوجویی و نوآوری در نظام آموزش ما کم است و این ضعف بزرگی است.

در آموزش عالی، از نظر تولید علم، در سال های اخیر تلاش های خوبی به عمل آمده، و این نیاز احساس شده که ما هم باید به تولید علم بپردازیم. در سطح محدودی هم موفق بوده ایم ولی هنوز از لحاظ تولید علم و دانش مقام شایسته خود را پیدا نکرده ایم. به نظر من کشور در آستانه یک جهش علمی است. اما برای این که این جهش صورت گیرد اولیای محترم امور باید با بصیرت و درایت، فرایند توسعه دانش و تولید علم را هدایت کنند. مخصوصاً باید محدودیت ها را برداشته و امکانات لازم را فراهم کنند. در این راستا حمایت از محققان کشور امری ضروری است. ضمن آن که باید به پژوهشگران جوان هم میدان داد تا به فعالیت علمی بپردازند. البته برنامه ریزی و اتخاذ سیاست های روشن و بلند نظرانه از لوازم کار است.

سؤال: در پایان چه مواردی را به خوانندگان گرامی و به ویژه اساتید توصیه می نمایید؟

پاسخ: با کمال فروتنی موارد بسیاری را می توان اشاره نمود از جمله:

- رعایت اخلاق حرفه ای - انسانی و اهمیت دادن به نظم و انضباط؛
- احترام به شخصیت دانشجو؛ در واقع همین احترام است که باعث جذب دانشجو به درس، دانشگاه و استاد می شود.
- تدریس مسئولانه، تدریسی که سطح علم و آگاهی را ارتقاء بخشد.
- مجهز شدن به علم و فناوری روز؛ استاد مرتب باید بخواند، بنویسد و از همه مهمتر بیاندهد. آری استاد باید بیاندهد!
- نوآوری هم در تدریس و هم در تحقیق؛

- قانع بودن؛ پرهیز از حرص و آز در کسب آلف و الوف. زندگی آکادمیک مستلزم گذشت مالی است. البته عسرت مالی را هم بنده توصیه نمی کنم.
- بالاخره احترام به فرهنگ ایرانی و نظام عقیدتی اسلامی و اتکاء به معنویات؛ (به نقل از کتاب " تربیت " ویژه نامه بزرگداشت دکتر محمد جعفر پاک سرشت از انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز )

### متن سخنان دکتر محمد جعفر پاک سرشت معاون آموزشی دانشگاه در دوره مدیریت دکتر منوچهر دواپی، در مراسم بزرگداشت دکتر دواپی، پیرامون وضعیت دانشگاه در روزها و سال های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی

مختصر و مفید چند کلمه ای را در باره دوره مدیریت جناب دکتر منوچهر دواپی در دانشگاه جندی شاپور سابق و شهید چمران فعلی نکاتی بیان کنم.

کسانی که در آن زمان حضور داشتند دوران متلاطم روزهای قبل از انقلاب و سال اول انقلاب را به خوبی به یاد دارند که چه دوران بحرانی بود و کار کردن در آن دوران، چقدر دشوار بود و چه موانعی بر سر راه وجود داشت و این که چگونه ما از این موانع عبور می کردیم تا بتوانیم وظیفه ای انجام دهیم.

جناب آقای دکتر دواپی به عنوان اولین ریاست محترم دانشگاه توسط شورای هماهنگی برگزیده و معرفی شده بودند. این شورا، مبارزات دانشگاه جندی شاپور را هدایت کرده بود، شورایی مخفی بود، فعالان سیاسی دانشگاه مورد حمله ساواک بودند و چندین بار حمله دسته جمعی به ما شد.

آنچه دکتر دواپی در دانشگاه جندی شاپور اهواز انجام داد ایجاد یک الگوی مدیریتی جدید و چیزی بود که دانشگاهیان طالب آن بودند. مردم از الگوی مدیریتی سابق که از بالا برگرفته شده بود، خسته بودند.

ایشان تیم خود را تشکیل دادند، دکتر بلداجی از دانشکده کشاورزی معاونت اداری و مالی، مرحوم دکتر صدر قدر قدر از دانشکده ریاضی مدتی معاون دانشجویی، و اینجانب معاون آموزشی و پژوهشی بودیم. در آن زمان معاونت پژوهش نبود و در حقیقت معاون آموزشی هر دو کار را انجام می داد. دانشگاههای محدودی معاون پژوهشی داشت. دکتر دواپی حمایت همه جانبه ای از دانشگاهیان را پشت سر خود داشت و این سرمایه ای بود که ایشان داشت و به خوبی از آن استفاده می کرد. ایشان بعد از تشکیل تیم مدیریتی به سرعت در صدد طرح مدیریتی جدید برآمد.

شخصیت علمی و تخصصی، شخصیت اخلاقی و تعهدشان به کار، بردباری و سلوکشان، قدرت ابتکار و نوآوری و اعتقادشان به جامعه دانشگاهی و مردم، در کنار همه ی این ها یک ویژگی مهم که همانا وارستگی ایشان بود، بی اعتنایی و استغناء ایشان نسبت به مسایل مادی، همگی سرمایه بزرگی برای مدیریت ایشان بود.

این مجموعه خصوصیات ، شخصیتی از ایشان تشکیل می داد که واقعا یک کاریزما به ایشان می داد که برای مسائل و مشکلات دانشگاه بسیار رهگشا بود.

قرار شد مدیریت تمام دانشکده ها مدیریت ها شورایی شود و چنین شد، قرار شد شورای دانشگاه تشکیل شود، تشکیل شد.

این شورا کار یک پارلمان را برای ما انجام می داد، در آن زمان اداره دانشگاه باید بر اساس نیروهای داخلی انجام می شد، چون مقررات و آیین نامه ای نبود و دولت هنوز مستقر نشده بود. لذا ما باید به شکل درونزا تولید می کردیم و کار می کردیم، البته نیروهای متعدد و متنوعی در دانشگاه بودند . انواع عقاید و ایدئولوژی های سیاسی در دانشگاه فعال بود.

در شورای دانشگاه مسائل دانشگاهی مطرح می شد و حل و فصل می شد و مصوباتی صورت می گرفت و اجرا می شد.

اولین کاری که اتفاق افتاد، قرار شد تا سرپرستان واحدها و هیئت ریسه دانشگاه به مدت شش ماه از حقوق پست هایشان بگذرند، قرار شد وسایل نقلیه دانشگاه و مخصوصا آنها یی که مربوط به مدیریت دانشگاه می شد به فروش برسد و با پول آن در خرید آمبولانس و خرید وسایل پزشکی استفاده شود.

در چنین مدیریتی، انگیزه مادی در میان نبود ، بلکه انگیزه خدمت بود، برای نمونه عرض کنم که معاون اداری مالی شب ها در محوطه دانشگاه تردد می کرد و اگر چراغی خاموش نشده می دید، صبح تذکر می داد. این گونه از بیت المال و بودجه دانشگاه در دوره دکتر دوایی صیانت می شد.

شورای دانشگاه از اولین شوراهایی بود که از خرد جمعی استفاده می کرد، ما این شیوه را در دانشگاه اجرا کردیم . منتها یک سری مشکلات هم داشتیم، البته دکتر دوایی با ملاحظت، حضور ذهن و بیان ملایم و سحرآمیز در اغلب موارد می توانست طرف مقابلش را قانع کند و ما از مشکلات عبور می کردیم اما مشکلات روز به روز و ماه به ماه بیشتر می شد، علت هم این بود که مقدار زیادی توقعات و خواست ها و مطالبات برآورده نشده از رژیم سابق بر جا مانده بود و مردم به دنبال یک سری آرمان ها بودند. آزادی می خواستند، بعد از ۲۸ مرداد ، آزادی یکی از مسائل اساسی محافل روشنفکری و دانشگاهی بود، بنابر این حالا که انقلاب پیروز شده بود و قبل از انقلاب هم وعده هایی درباره آزادی داده شده بود، گروه های سیاسی بابت این وعده ها و بابت مطالبات برآورده نشده، خود را محق می دانستند که آزادی را طلب کنند، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی اجتماعات، آزادی تشکیل گروه ها و... این ها باعث می شد که مدیریت را مرتبا برای خواسته های خود تحت فشار قرار بدهند و فضا و امکانات می خواستند، گاهی اوقات بین خودشان یا گاهی با مدیریت دانشگاه، تعارضاتی پدید می اید، که باید حل می کردیم.

گروه های چپ افراطی که طیف وسیعی بودند؛ مرتبا با ما درگیری داشتند، بحث این است که ادعای دموکراسی و آزادی خواهی می کردند، البته آزادی به آنها داده شده بود ولی آزادی بی حد و مرز نبوده و

نیست، در چهارچوب قانون معنا پیدا می کند، در دانشگاه های خارج از کشور هم که استقلال وجود دارد؛ این امر قابل قبول است، گروه ها و مدیریت ها انتخابی اند اما یک سری مقرراتی هم وجود دارد که همه دست اندر کاران و کارکنان و خدمتگزاران باید این مقررات را بپذیرند. متأسفانه گروه ها از آزادی استفاده می کردند اما قوانین آزادی را و چهارچوبی که این آزادی را به آنها اعطا کرده بود، قبول نداشتند، اینجا تعارضاتی برای ما پیش می آوردند. البته شورای دانشگاه برای رسیدگی به همین مسائل تشکیل می شد و از استدلال و منطق بهره گیری به عمل می آید تا جایی که میسر بود مسائل را حل می کردیم اما جوابگو نبود.

یکبار همراه با دکتر دوایی به دیدار مسئولان یکی از این گروهک ها رفتیم که رهگذری را گروگان گرفته بودند، گفتیم رهایش کنید، رهگذری بوده و عبور کرده و مسلمان هم هست اما می خواستند او را محاکمه انقلابی کنند، هر چه استدلال و خواهش کردیم افاقه نکرد، با دکتر دوایی در میان گذاشتیم که ممکن است دانشگاه مورد حمله قرار بگیرد، و طولی نکشید حدود یک ساعت که مورد حمله قرار گرفتیم. در آن مورد، حدود نیم میلیون تومان برای تعمیر در و پنجره دانشکده کشاورزی و جبران خسارت هزینه کردیم، بالاخره این وضعیت ادامه پیدا کرد و ما هم ادامه دادیم تا مساله تعارض بین گروه ها و برخورد بین آن ها و مزاحمت هایی که ایجاد می کردند به جایی رسید که قابل کنترل نبود، البته محدود به دانشگاه جندی شاپور نبود، در همه کشور به این شکل بود تا حاکمیت تصمیم گرفت که به این مسائل پایان دهد.

یک مساله ای که هست، استفاده از حکومت مردمی و دموکراسی، به مدیریت نیاز دارد، آزادی تنها برای من نیست، بلکه برای همه است، باید به توافق رسید، تسامح داشت، تساهل کرد، وفاق حاصل نمود و به این ترتیب است که دموکراسی حاصل می شود، ما کنار رفتیم و بنده استعفایم را تقدیم کردم، اما حالا که به گذشته نگاه می کنم می بینم که مدیریت دکتر دوایی به گونه ای بود که ما مدیون حسن نیت، حسن شهرت و بلند نظری، سعه صدر، بینش ایشان بودیم، مدیریت دکتر دوایی در حد الگو بود، مدیریت دلسوز، مدیریتی دست پاک و در عین حال مردمی و مردم دار. امیدواریم این میراث فراموش نشود، خیلی خوشحال شدم چون امروز دیدم که خوشبختانه بنیاد نخبگان این میراث را پاس داشته و نسبت به این میراث آگاهی وجود دارد.

هم در متن پیام ارسالی ریاست محترم دانشگاه شهید چمران اهواز، هم در سخنان ریاست محترم دانشگاه علوم پزشکی، هم در سخنان حجت الاسلام و المسلمین شفیعی به این مطلب اشاره شد. این آگاهی مایه خوشحالی بنده است به عنوان کسی که سالهاست در این دانشگاه خدمت کرده، گرچه در حال حاضر شاغل نیستم.

در جریان انقلاب فرهنگی دکتر دوایی به تهران رفت و استعفا داد. در موقع رفتن، مهندس حبیب الله قطب را جانشین خود کردند. ایشان، کار دکتر دوایی را تا مدتی ادامه دادند تا رییس بعدی منصوب شد.

چکیده و گزیده سخنرانی دکتر پاک سرشت در مراسم تجلیل از دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه

شهید چمران اهواز در اسفند ۱۳۹۶

دانشجویان شاهد و ایثارگر و خانواده‌هایی که منتسب به شهادت و ایثار هستند به گردن مردم ایران حق دارند؛ گرامی‌ترین سرمایه انسان حیات و جان است که در هشت سال دفاع مقدس این جان‌ها برای حفظ کشور، نثار شد.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به وضعیت آموزش در کشور، افزود: در درجه اول توسعه کمی در کشور صورت گرفته است و علم و دانش در دسترس اقشاری قرار گرفت که قبلاً چنین نبود و این مسئله مهم است؛ علم در کشور ما تا حدودی جنبه طبقاتی داشت و اقشار مرفه‌تر می‌توانستند به آموزش عالی دسترسی داشته باشند و اقشار فرودست فارغ‌التحصیل دبیرستانی شانس رفتن به دانشگاه را کمتر داشتند که این مسئله در نظام جمهوری اسلامی انجام شد.

این استاد بازنشسته فلسفه تعلیم و تربیت، اظهار کرد: در همه‌جا توسعه کمی در تاریخ تعلیم و تربیت، معمولاً با مقداری کمبود کیفی همراه است وقتی گفته شود توسعه کمی است به این معنا نیست که همه‌جا کیفیت پایین است و جا دارد به مسئله بهبود توسعه کیفی پرداخته شود.

دکتر پاک‌سرشت، بیان کرد: امروزه کیفیت علم در جهان بی‌امان و شتابان در حال تغییر و توسعه است و نباید در این مسئله تردید داشت بنابراین آموزش دانشگاهی ما باید خود را با توسعه و تحولات و تغییرات کمی و کیفی جهان علم هماهنگ کنند و اگر چنین نکنیم عقب می‌مانیم.

وی اضافه کرد: در تعلیم و تربیت تزی به نام آموزش مادام‌العمر وجود دارد به این دلیل که علم تغییر می‌کند و اگر امروز در مقطع کارشناسی درس می‌خوانیم نباید این تصور را داشته باشیم آنچه امروز می‌آموزیم برای تمام عمر کافی است.

ایشان تأکید کرد: این مسئله ایجاب می‌کند که قدری نگران موضوع آموزش در دانشگاه‌ها باشیم؛ به این معنی که باید آموزش را از حالت استادمحوری و کتاب‌محوری خارج کرده و اجازه دهیم دانشجویان با عشق و علاقه علم‌آموزی کنند.

دکتر پاک‌سرشت، افزود: در سبک‌های یادگیری کار زیادی انجام نشده است؛ در این مبحث از نظر روان‌شناسی در تمامی رشته‌ها شیوه‌ای وجود دارد. دانشکده علوم تربیتی به کمک مدیریت دانشگاه می‌تواند در این بخش اقداماتی را انجام دهد و این یافته‌ها را به حالت اجرایی تبدیل نماید.

وی، گفت: علوم غربی در خدمت قدرت و ثروت است و این مسئله را فیلسوفان برتر اذعان داشته‌اند؛ با یک بررسی می‌توان فهمید بسیاری از پزشکان متخصص از کمپانی‌های کلان داروسازی گلایه دارند که برای سود و صرفه درمان‌های ارزان‌قیمت را مانع می‌شوند تا داروهای گران‌قیمت را به فروش برسانند. این استاد بازنشسته دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، تصریح کرد: باید علوم دقیقه را یاد گرفت و تا سهمی در تولید آن نداشته باشیم نمی‌توان در صحنه‌های بین‌المللی اعلام وجود کرد و زمانی که این علم را آموختیم تلاش کنیم این علم را انسانی و در خدمت معنویت بگیریم. دکتر پاک‌سرشت در پایان، گفت: پیام من به دانشجویان این است که به صورت جدی به علم‌آموزی بپردازید؛ گذشتگان شما تلاش کردند و مجاهدت نمودند و امروز شما در عرصه علم مجاهدت کنید.